

تربیت دینی رهیافتی نوین جهت ارتقا سلامت معنوی دانش آموزان در نظام تعلیم و تربیت ایران

زهرا رسولی^۱

۱- نویسنده مسئول: مدرس قرآن شهرستان سرپل ذهاب

zahra.rasoli1364@gmail.com

چکیده:

یکی از جنبه‌های مهم تربیت که در نظام آموزش و پرورش کشور دارای اهمیت است، تربیت دینی است. تربیت دینی ناظر به تمامی جوانب زندگی دنیوی و اخروی انسان است. این پژوهش با روشی تحلیلی و قیاس عملی در صدد شناسایی راهکارهای توسعه تربیت دینی مبتنی بر ساحت‌های تربیتی بر اساس ساحت‌های تربیتی است که عبارتند از: ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی، ساحت تربیت زیستی و بدنی، ساحت تربیت زیبایی شناختی و هنری، ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، ساحت تربیت علمی و فناوری. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که مولفه‌های گوناگونی را می‌توان در زمینه تربیت دینی استنتاج نمود که عبارتند از هویت دینی، انتخاب آگاهانه، تلاش برای ارتقای معنوی، خودشناسی، حفظ کرامت و عزت نفس و... است.

واژگان کلیدی: تربیت معنوی، اصول تربیت معنوی، تربیت معلم.

۱- مقدمه

تربیت انسان و چگونگی دستیابی او به کمال، از دیرباز، همواره مورد علاقه‌ی هر اندیشمند و نظریه‌پرداز بوده است (هاشمی اردکانی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۲). تربیت از نظر لغوی، به معنای پرورتن، پروراندن، پرورش دادن، ادب و اخلاق به کسی یاد دادن (عمید، ۱۳۶۲، ص ۳۱۱) همچنین، به معنای پروراندن و پرورش دادن و بارآوردن می‌باشد (مطهری، ۱۳۶۶). اما در اصطلاح، تعاریف زیادی از تربیت ارائه شده است که برخی از مهم‌ترین آنها از این قرار است؛ جولز سیمون، تربیت را این‌گونه تعریف می‌کند «تربیت، طریقه‌ای است که عقل به‌وسیله‌ی آن، عقل دیگر و قلب، قلب دیگر می‌شود» (ادیب علی، ۱۳۷۹، ص ۸۴). امیل دورکیم، تربیت را با رویکرد جامعه‌شناختی ویژه‌ی خود تعریف می‌کند. از نگاه وی، تربیت، «آن عملی است که به‌وسیله‌ی آن، نسلی بالغ و رسیده، نسلی را که هنوز برای زندگی، پختگی لازم را ندارد، متأثر می‌کند و هدفش، برانگیختن و گسترش حالت‌های جمعی، عقلی و اخلاقی متربی است» (رفیعی، ۱۳۸۱، ص ۹۱). اتحادیه‌ی بین‌المللی آموزش و پرورش، تربیت را فراهم کردن رشد کامل توانایی‌های هر شخص به‌عنوان فرد و نیز به‌عنوان جامعه‌ای مبتنی بر همبستگی و تعاون دانسته است. تربیت از تحول اجتماعی جدایی‌ناپذیر بوده و یکی از نیروهای تعیین‌کننده‌ی تحول است. بنابراین هدف تربیت و روش‌های آن باید به‌طور دائم با پیشرفت شناخت کودک و انسان و جامعه که حاصل علم و تجربه است، مورد بازنگری قرار گیرد (میلاره و ژان، ۱۳۷۰). شهید مطهری، تربیت را پرورش دادن و به فعلیت رساندن استعدادها و ایجاد تعادل و هماهنگی میان آنها می‌داند، تا از این‌راه، متربی به حد بالای کمال (شایسته‌ی خود) برسد (مطهری، ۱۳۷۱، ص ۹۰). تربیت، بر پرورش استعدادهای انسانی، یعنی فراهم کردن زمینه‌ی رشد استعدادهای آدمی دلالت می‌کند و در عین حال از امور ضروری و حیاتی انسان است؛ به‌طوری که انسان، بدون تربیت هیچ چیز ندارد (صالحی و تهامی، ۱۳۸۸، صص ۷۸-۷۷). این تعاریف در عین تعدد، در این جهت توافق دارند که تربیت؛ مجموعه‌ی تدابیر و روش‌هایی است که برای به‌فعلیت درآوردن ابعاد گوناگون انسان به کار گرفته می‌شود (شعاری نژاد، ۱۳۷۶ و شریعتمداری، ۱۳۸۶). با توجه به این تعریف، مربی باید ابعاد انسان را بشناسد، تا بتواند جریان تربیت را بر اساس سرشت و فطرت او انجام دهد (مزینانی، ۱۳۸۲).

بر همین اساس مساله این پژوهش آن است که علی‌رغم تأکیدهای زیاد بر لزوم تربیت دینی و همچنین اهمیت آن در متن سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، اما نسبت به تبیین دقیق مولفه‌های تربیت دینی بر اساس اهداف ساحت‌های شش‌گانه تربیتی سند تحول بنیادین پژوهشی صورت نپذیرفته است و موجب کج‌فهمی نسبت به مفهوم و مولفه‌های تربیت دینی گردیده است. بر همین مبنا این ضرورت احساس می‌گردد تا نسبت به تبیین دقیق مولفه‌های تربیت دینی اقدام گردد.

۲- چستی تربیت دینی :

«تربیت» در لغت به معنای پرورش دادن و پروراندن است، پروراندن هر چیزی، به کمال رساندن آن است تا تمامی قابلیت‌های آن شکوفا گردد. در اصطلاح، تربیت انسان به معنای فراهم آوردن زمینه رشد و پرورش استعدادهای او برای رسیدن به کمال مطلوب است. البته تعریف «تربیت» در اصطلاح هر مکتبی، بسته به نگاه آن به انسان متفاوت است (حسینی دهشیری، ۱۳۷۰،

ص ۹۶) آنچه در کتاب‌های موجود در مورد دین و تربیت به چشم می‌خورد، فقدان ارائه معنایی معین از دین و تربیت از سوی علما و دانشمندان است. از این رو به طور طبیعی نظرهای متعددی درباره مفهوم تربیت دینی ابراز شده است. دائرة المعارف بین المللی تربیت، تربیت دینی را چنین تعریف می‌کند: تدریس منظم و برنامه ریزی شده که هدف از آن دستیابی فرد به اعتقاداتی درباره وجود خداوند، حقیقت جهان هستی و زندگی و ارتباط انسان با پروردگارش و دیگر انسان‌هایی که در جامعه با آن‌ها زندگی می‌کند و بلکه با همه آحاد بشر است (مشایخی‌راد، ۱۳۸۰، ص ۷۰). مفهوم تربیت دینی و کارکرد آن متأثر از مجموعه عواملی است که مهم‌ترین آن جایگاه خدا در دین و در رتبه ایمان به روز قیامت و جزای الهی است. در تربیت اسلامی اهتمام کافی به گستره معرفتی می‌شود، اما از نظر آن، هدف معرفت و آگاهی کافی نیست. حقیقت در صورتی نتیجه می‌دهد که با قلب ارتباط پیدا کند و با فرد در ساخت دیدگاه‌های مثبت شریک باشد. هر چند برخی‌ها با یک رویکرد و معنی کلی، تربیت دینی را به فراهم آوردن زمینه رشد و پرورش اخلاق، احکام و اعتقادات جاری دینی که لازمه آن، آموزش این مسائل است، تعریف می‌کنند.

دین، نوعی زندگی است و تربیت دینی، فرآیندی است که آدمی را برای نحوه خاصی از حیات (به تعبیر علامه جعفری، حیات معقول) مهیا می‌سازد (حسینی، ۱۳۷۹، ۱۸۹). این نحوه زندگی، بر مبنای اصول، قواعد و راهبردهای از پیش تعیین شده‌ای شکل می‌گیرد که از طریق دین و عقاید و شریعت به آدمی عرضه شده است.

مروری بر مفاد متون دینی و فرهنگی، ما را با این واقعیت غیرقابل انکار روبرو می‌سازد که دین (اسلام)، یک پدیده جهانی است و در تجربه تاریخی خود همواره برای جهانی شدن کوشیده است و امروزه نیز دین‌داران و پیروان آئین حنیف اسلام باید برای جهانی شدن آن بکوشند. آیات قرآنی به صراحت یا به صورت غیرمستقیم از جهانی بودن رسالت پیامبر (ص) و محدود نبودن آن به عصر مشخصی سخن گفته و نگاه جهانی دین را حکایت کرده است (انبیاء/ ۱۰۷).

همانند تربیت و دین، برای تربیت دینی نیز تعارف مختلفی ارائه شده است. برخی تربیت دینی را آموزش برنامه‌ریزی شده و نظام مند باورهای مربوط به خدا و جهان و آموزش برنامه ریزی شده و نظام مند عبادات و مناسک، اخلاقیات، هدف و معنای زندگی دانسته‌اند (توماس، ۱۳۷۹).

زارعان (۱۳۷۹) می‌گوید: گاه از تربیت دینی، تربیت به معنی ااعم اراده می‌شود. این معنی شامل همه ابعاد تربیتی در یک بستر دینی شده و می‌توان آن را با تربیت اسلامی مترادف دانست. منظور این است که کودک، نوجوان یا جوان مسلمان به گونه‌ای آموزش ببیند و تربیت شود که شخصیت او با اهداف دینی مطرح شده در قرآن شریف و روایات، هم‌گونی داشته باشد و نهایتاً آن گونه باشد که بتوان او را مسلمان به معنای واقعی کلمه دانست. گاهی از تربیت دینی، به تربیت به معنی الاخص یاد می‌کنیم. در این اصطلاح، در بین همه ابعاد تربیتی، به رشد معنوی و اعتقادی توجه ویژه‌ای می‌شود و بدین وسیله سایر ابعاد تربیتی و حتی بُعد اخلاقی از بحث خارج می‌شود. به منظور تمایز این بعد خاص تربیتی، این نوع تربیت دینی را تربیت ایمانی یا معنوی می‌نامیم. بر اساس این تعریف خاص، دیگر نمی‌توان در تبیین تربیت دینی، منابع اخلاقی را اصل قرار داد. آری اخلاق اسلامی از دین نشئت گرفته و در تعریف هدف و همچنین در راه رسیدن به آن از دین کمک می‌گیرد؛ اما سخن این است که می‌توان مسائل تربیت دینی را از مسائل تربیت اخلاقی جدا نمود و برای هر کدام باب مستقلی باز کرد؛ مراد از این نوع آموزش و پرورش این است که شرایطی برای فرد مورد تربیت ایجاد شود تا نگرش او نسبت به خود، جهان اطراف و خالق این جهان بر اساس آنچه «خود» می‌یابد و فطرت او اقتضا می‌کند رشد کرده و آنچه را که لازمه پیمودن این مسیر است فراگیرد. به دیگر سخن، همچنان که

این معنا از تربیت دینی را تربیت ایمانی نامیدیم، مراد این است که شرایطی برای متربی فراهم آید تا ایمان او تقویت شود و جایگاه خود را در کل مجموعه هستی بازابد.

هدف تربیت دینی آن است که افراد جامعه را در فهم دین یاری رساند تا آن‌ها بتوانند آگاهانه درباره آن بیندیشند. این کار زمانی ممکن است که اذهان و عواطف آدمی، درهای خود را به روی دین نبندند و تصور نشود که دین چیزی منسوخ و مطالعه آن فاقد ارزش است؛ بنابراین تنها راه سعادت‌مند شدن انسان، بهره‌مندی او از تعلیم و تربیت دینی است (رحیمی، ۱۳۸۰، ص ۴۱).

به طور کلی، تعریف تربیت دینی به منظور آشنا ساختن افراد با جریان کسب معرفت ایمانی و عقاید دینی است و همچنین پذیرش سنت‌ها و اعمال دینی، توجه به ملاحظات اخلاقی و رفتاری مورد تأیید دین و به عبارت دیگر ایجاد یا پرورش ایمان در افراد را در برمی‌گیرد. گریمیت در این زمینه می‌نویسد: «تعلیم و تربیت مذهبی به فعالیت‌هایی اشاره دارد که موجب پرورش ایمان در افراد می‌شود، به‌ویژه فعالیت‌هایی که به آشنا کردن کودکان و نوجوانان به هسته اصلی معرفت، ایمان و عقاید ایمانی و ... منجر می‌شود (خاکپور، ۱۳۸۱، ص ۱۴۹).

عده ای معتقدند: تربیت دینی عبارت است از مجموعه اعمال غیر عمدی و هدفدار، به نحوی که در آن افراد در عمل و نظر به آن آموزه‌ها پایبند گردند (حسین زاده، ۱۳۸۰، ص ۲۶). تربیت دینی فرایندی است هماهنگ با فطرت که به دور از جبر و فشار رو به منظور نیل به سعادت دنیوی و اخروی انجام می‌گیرد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ص ۱۹۷). داوودی (۱۳۸۴) معتقد است هرچند تربیت دینی فعالیت‌های هدفمند است، اما نه صرفاً به منظور ایجاد شناخت معارف دینی، بلکه به منظور آموزش هر گزاره معتبر یک دین به افراد. از نظر وی تربیت دینی یک فرایند هماهنگ و همساز با فطرت انسانی است.

غایت تربیت دین، تربیت افراد متدین است و متدین کسی است که معنا و حقیقت دین را درک کند و تعالیم دین راهنمای او در زندگی باشد و سرانجام با شکوفا شدن استعدادهای انسان در جهت کمال مطلق، متصف به اسماء و صفات الهی باشد. بر این اساس، تربیت دینی به مفهوم بررسی دین در تربیت انسان با تربیت دینی به مفهوم محصول تربیت دین باوری و دین داری کاملاً از یکدیگر متمایز می‌شوند (رهنمایی، ۱۳۸۸، ص ۷۸۳).

به طور کلی دوگونه تربیت دینی قابل تصور است: نخست، تربیتی که چهارچوب بنیادی و اصول آن بر اساس دین و آموزه‌های دینی استوار است. در واقع این شکل از تربیت دینی در مقابل تربیت سکولار قرار می‌گیرد و همه ی ابعاد تربیت را بر اساس نظام معیار دینی (مبتنی بر مبانی و ارزش‌های دین یا سازگار با آن‌ها) شامل می‌شود که در مجموعه ی حاضر از این مفهوم عام با تعبیر تربیت اسلامی یاد شده است. دوم، جنبه‌ی خاصی از تربیت که برای تقویت دین داری و دین ورزی متریان صورت می‌پذیرد. در این شکل از تربیت، اعتقادات و مناسک مربوط به دینی معین، مورد توجه قرار می‌گیرد و متریان برای رسیدن به ایمان و باور دینی و عمل به آن تربیت می‌شوند (البته مطابق قانون اساسی کشور ما، اقلیت‌های دینی و مذهبی رسمی در تربیت دینی فرزندان خود، منطبق با عقائد و مناسک خویش، آزادند) این شکل از تربیت تقریباً در همه‌ی جوامع به رسمیت شناخته شده و در ادبیات رایج تربیتی با عبارت religious education از آن سخن می‌رود (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰). دینداری و تربیت دینی دارای آثار و فواید عظیمی در حیات فردی و اجتماعی است. دنیای امروز به‌رغم پیشرفت‌های حیرت‌انگیزی که در زمینه ارتباطات، تکنولوژی، توسعه علمی و اقتصادی و ... در آن صورت گرفته، نه تنها امنیت و آرامش روحی و روانی را به دست نیاورده، بلکه بر فشارهای روانی، روحی و ترس و احساس ناامنی و اضطراب بشریت نیز افزوده است. در اینجا است که: «تربیت دینی و دینداری می‌تواند عامل کنترل اضطراب، احساس ناامنی‌ها و وسیله‌ای برای ایجاد آرامش باشد.» دین و تربیت دینی «در زمینه فلسفه حیات و چگونگی زندگی، به آدمی آگاهی‌های قانع‌کننده‌ای می‌دهد. کیفیت حیات آن جهان را تنها دین

می تواند توجیه و آدمی را بدان هدایت کند. امید به پاداش همه جانبه برای اعمالی را که در این سرا، پاداش لازم برای آنها را به دست نیاورده ایم، به ما می دهد و این خود موجب رغبت و شوق به کار است. ترس از کیفر و حساب سخت سرای دیگر، خود عاملی کنترل کننده برای آدمی است و در نهایت، دین این اطمینان و باور را در آدمی به وجود می آورد که آفرینش بر اساس هدفداری و حساب و نقشه و قدر و میزان و قضا خلق شده است (ده آبادی، ۱۳۸۵).

۳- پیشینه پژوهش

کشاوری (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان "شاخص ها و آسیب های تربیت دینی" به بررسی آسیب های تربیت دینی در مدارس و با نظر به شاخص های برگرفته از آموزه های دینی (اعم از قرآن و سنت)، به آسیب شناسی تربیت دینی دانش آموزان در نظام آموزش رسمی کشور پرداخت. ایشان به بررسی آسیب های تربیت دینی در چهار منظر برنامه ریزی درسی، محتوا، روش های یاددهی و یادگیری، ارزشیابی، آسیب های در برنامه ریزی، فقدان برنامه ریزان و کارشناسان با صلاحیت در طراحی و تولید برنامه های درسی دینی است. آسیب در محتوا، انباشت مفاهیم در برنامه و بیان آن با ادبیاتی ثقیل و غیرقابل درک، نه تنها موجب تربیت دینی یادگیرندگان نمی شود، بلکه ممکن است موجب ناخرسندی و دلزدگی یادگیرنده گردد. آسیب در روش های یاددهی- یادگیری، تحلیل محتوای کتاب ها نشان می دهد که محتوای این کتاب ها به گونه ای است که معلم در اکثر موارد از روش های آموزشی سنتی استفاده می کند، لذا برنامه های آموزش دینی به صورت یک نظام آموزشی حفظی و لفظی درآمده است. آسیب در زمینه ارزشیابی، امر تربیت دینی در مدارس که فعلاً به طور مشخص شامل ارائه دروس دینی و قرآن و انجام فعالیت های تربیتی است؛ از همان نظام ارزشیابی تبعیت می کند که سایر دروس نظیر ریاضی، علوم و... یعنی مبتنی بر شیوه سنتی امتحان و ارزشیابی دانش آموز از طریق نمره است.

موسوی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان "تحلیل مفهوم تلقین در تربیت دینی" به بررسی تحلیل های درخواستی از مبانی و مبادی فلسفی و کلامی صاحب نظران این رویکرد در باب تعریف تربیت، تربیت دینی، تلقین و دیگر مفاهیم، منجر به انکار تربیت دینی از سوی برخی شده است. یکی از دستاویزهای منکران، به زعم آن ها، زشتی مطلق تلقین و تلقین آمیز آموزه های دینی است که فرایند آموزش دین را به «شبه تربیت» و «ضد تربیت» بدل می کند. یافته های این پژوهش بیانگر آن است که اصلی ترین معیار بازشناسی تلقین، روش تدریس غیراستدلالی است؛ بدین معنا که در هر آموزشی از روش های غیراستدلالی استفاده شود، تلقین رخ داده است (معنای عام) و اگر محصول فرایند یاددهی نیز ذهن بسته باشد، معنای خاص تلقین، خواهد شد. تلقین نوعی روش تدریس است. همانگونه که همه روش های تربیتی می توانند آسیبزا باشند. تلقین نیز در شرایطی می تواند آسیبزا باشد؛ اما با توجه به مراحل تربیت و شرایط رشد شناختی متربیان و نیز با توجه به محتواهای آموزشی، می توان در مقاطع سنی و محتواهای خاص، از آموزش تلقینی در تربیت بهره گرفت.

تلخابی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «رویکرد شناختی به تربیت دینی» به بررسی تربیت دینی با توجه به رویکرد شناختی پرداخته است. از این رو در این پژوهش تاثیر یافته های علوم شناختی بر رویکرد تربیت دینی مورد بررسی قرار می گیرد. از آنجا که نظریه بازنمودی- رایانشی رویکرد غالب در علوم شناختی تلقی می شود، این نظریه مبنای فهم عملکرد ذهن قرار می گیرد. بر اساس این دیدگاه، پردازش شناختی دارای دو مولفه اساسی است: نخست این که ذهن در بازنمایی از شیوه های مختلفی می کند و دوم این که تمام پردازش های شناختی دارای مولفه هیجانی است.

برنامه درسی معمولاً شناخت ها، دانش ها، نگرش ها، ارزش ها و رفتارهای ویژه را به دانش آموزان القاء می کند. اگر در برنامه درسی مدارس آموزش های دینی جایی نداشته باشد و تنها به تربیت علمی و حرفه ای دانش آموزان توجه شود، این تصور به دانش آموزان القاء می شود که دین و آموزه های دینی حتی به اندازه حرفه هایی مانند نجاری و بنایی ارزش ندارد. از سوی دیگر ممکن است مدارس به تربیت دینی بپردازند، ولی اولاً: برخی ابعاد دین را آموزش می دهند و ثانیاً: تربیت دینی را به چشم امری فرعی و کم اهمیت بنگرند. در این صورت، این تصور در دانش آموزان ایجاد می شود که این امری بسیار کم اهمیت است و تنها برای رفع تکلیف باید به آن پرداخت.

از میان کتاب های درسی، کتاب های دین و زندگی اهمیت بالاتری دارند. وجود تنوع در مطالب کتاب دین و زندگی، استفاده از آثار نویسندگان و متفکران اصیل و مشورت کردن با خود دانش آموزان برای انتخاب مطالب درسی دینی، می تواند این اطمینان را به دانش آموزان بدهد که به هیچ وجه، هدف از کلاس دینی، تحمیل پاره ای از آموزه های از پیش تعیین شده نیست. در این رابطه می توان از دانش آموزان نظر سنجی کرد. وجود چند نوع کتاب تدوین شده می تواند دایره انتخاب دانش آموزان را وسیع تر سازد؛ به طوری که به کتاب دینی به منزله یک کتاب مقدس بنگرند. و آن را کتابی نپندارند که پر از مسائل قدیمی است که در دنیای امروز کاربردی ندارد. همچنین عدم آشنایی برنامه ریزان و مؤلفان کتب دینی با دین پژوهی های معاصر و تغییر و تحولات نوینی که در عرصه دین پژوهی صورت گرفته است، یکی دیگر از آسیب های جدی در برنامه ریزی و محتوای آموزشی است.

به محتوای کتب درسی برنامه ی درسی آشکار نیز گفته می شود. برنامه درسی از قبل طراحی شده و طبق آن و در همان حد به دانش آموز، آموزش داده می شود. کتب درسی نیز مانند یک معلم عمل می کنند و به آموزش دانش آموز در جهت اهداف از پیش تعیین شده می پردازند. به نظر می رسد برخی کتب درسی از مفاهیم تربیتی خالی است و با دین و تربیت دینی ارتباطی ندارند و این تصور در ذهن همگان است که وظیفه ی تربیت دانش آموزان تنها به عهده ی معلم دینی و کتب دینی و قرآن است. خالی بودن سایر کتب درسی از مفاهیم تربیتی آسیب زاست، چراکه این تصور را در دانش آموز ایجاد می کند که، دین جدا از سایر علوم و جنبه های زندگی است و به همین دلیل است که امروزه با مهوریت دین روبرو شده ایم و دین جدا از سیاست، اقتصاد، پزشکی و... دیده می شود. دروس تاریخ، ریاضی، فارسی و... اگر فقط به آموزش علمی و حرفه ای دانش آموزان بپردازد و در آن صحبتی از دین، تربیت دینی و ابعاد آن نباشد، در نظر دانش آموز نیز این امور کم اهمیت جلوه می کند. توجه ناقص به آموزه های دینی و یا عدم ارتباط صحیح مطالب درس با آموزه های دینی، نیز آسیب زاست. اگر مطالب کتب درسی به گونه ای باشد که مطالب تخصصی اش به شیوه ای منطقی با همه ی ابعاد دین هماهنگ و مرتبط باشد، و علاوه بر آموزش علوم پایه، به تربیت اعتقادی، اخلاقی و عبادی دانش آموزان بپردازد، موجب می شود تا راه برای تربیت دینی هموارتر شود. این هدف مشارکت سایر معلمان را نیز می طلبد.

کتب دین و زندگی و قرآن فرصت و ظرفیت بیشتری در القاء مفاهیم دینی دارند. بنابراین می توانند در تربیت دینی دانش آموزان تخصصی تر عمل کنند. ادبیات سنگین کتب دینی موجب خشکی درس می شود. تنوع مباحث در کتب دینی از خشکی آن می کاهد. توجه به نیازهای دانش آموزان و علایق آنان به مباحث و استفاده از نظرات آنان در طراحی دروس، امری هوشمندانه است. ارائه ی الگو از شخصیت های دینی و متفکران بزرگ و شناخته شده که مورد قبول دانش آموزان است می تواند اعتماد آنان به مطالب را بیشتر و اهمیتش را آشکار کند. حفظ تعاریف و پیام آیات نمی تواند باعث تربیت دینی شود. ارائه ی آگاهی در زمینه ی اعتقادات، اخلاقیات و احکام با رعایت اعتدال و به طور منطقی شناخت دانش آموزان را بالا می برد. القاء مفاهیمی مانند محبت و خشم الهی، عدل الهی، حقیقت و راستی پیامبر (اگر ص) و ائمه (ع) باعث برانگیختن احساسات دانش آموز و ایجاد محبت به اصول اعتقادی، اخلاقی و احکام می شود که در نتیجه ی آن پذیرش قلبی یا ایمان در دانش آموز ایجاد می شود.

نتیجه گیری:

بر اساس تحلیل ساحت‌های شش گانه تربیتی، اکنون می‌توان گفت که تربیت دینی داری گستردگی و دایره شمول وسیعی است؛ بدین صورت که تمام جنبه‌های تربیت انسان (عبادی، اجتماعی، سیاسی، زیستی- بدنی، زیبایی شناسی و علمی- فناوریانه) را در بر می‌گیرد. مولفه‌هایی که مشخص گردید همگی به جنبه‌هایی از تربیت دینی متناظر بودند. مثلاً مولفه‌های هویت دینی، انتخاب آگاهانه، تلاش برای ارتقای معنوی، خودشناسی، حفظ کرامت و عزت نفس، التزام عملی به ارزش‌های دینی و ... همگی به جنبه زندگی انسان مربوط است. در واقع تحقق تربیت دینی می‌تواند به عنوان الگویی برای نظام اسلامی در نظر گرفته شود. بر مبنای اهدافی که در سند تحول بنیادین در نظر گرفته شده است می‌توان گفت که متن سند به همه جوانب تربیت دینی پرداخته است و در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ می‌توان انتظار اجرایی شدن همه جانبه تربیت دینی را داشت. البته تحقق تربیت دینی مطلوب منوط به شناخت عوامل و موانع تحقق آن نیز می‌باشد. با توجه به اهمیتی که تعلیم و تربیت دینی دارد و از ضروریات آن نیز صحبت به میان آمد، صاحب‌نظران و خبرگان این حیطه باید به ارائه راهکارهایی بپردازند تا با اجرای آنها بتوانیم به اهداف بلندمدت و کوتاه مدت تربیت دینی دست یابیم. بر همین اساس می‌توان گفت آیا تربیت دینی این است که ما در کلاس برای شاگردانمان، ادیان را آموزش بدهیم و دین را تعریف کنیم که اسلام چنین و چنان است؟ یا این که بگوییم یهودیت آن طوری است و...؟ یا این که باید دین را به آن‌ها بیاورانیم و به یک معنا، التزام عملی به دین و دستورات و احکام آن را در ذهن و فکر آن‌ها به صورتی جا بیندازیم که آن‌ها دین دار بشوند؟ اگر معنای دوم مقصود است، آیا آموزش دین در کلاس‌ها به وسیله دبیران بینش دینی و یا مبلغان دینی که به وسیله‌ی منابع، دین را آموزش می‌دهند، سبب ایجاد التزام عملی به دین و دین دار کردن مردم می‌شود.

بر همین اساس می‌توان گفت برای بیان ویژگی‌های مبلغ، رفتار انبیا بهترین الگوست. راهی که مبلغان دین انتخاب کرده اند، در حقیقت تداوم راه انبیاست و بررسی ویژگی‌های انبیا به خصوص پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله در این جهت می‌تواند بسیار کارگشا باشد.

تربیت دینی یعنی فعالیت‌های منظم و منطقی جهت تربیت ابعاد وجودی انسان در قالب دین به گونه‌ای که متری به اصول عقاید، اخلاق و احکام شناخت و ایمان پیدا کند و این شناخت منجر به عمل پایدار در او شود. در این صورت به هدف تربیت دینی یعنی عبادت و بندگی خداوند خواهد رسید.

انسان دارای ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری می‌باشد. برای تربیت صحیح لازم است به این ابعاد توجه شود تا امر تربیت آسان‌تر و نتیجه، قطعی‌تر باشد.

تربیت دینی دارای ابعاد اعتقادی، اخلاقی و عبادی است. اعتقادات پایه‌های عمل هر فرد را تشکیل می‌دهند. اخلاق و عبادات در واقع نتیجه‌ی اعتقادی است که همراه با شناخت و ایمان باشد. بنابراین پرداختن معلم و کتب درسی به ابعاد تربیت دینی، ضروری است. شیوه‌ی اثر گذاری دانش‌آموزان بر یکدیگر نیز با درگیر کردن ابعاد انسان یعنی تأثیر بر شناخت‌ها و احساسات فرد است که در نتیجه‌ی آن رفتار فرد متناسب با ارزش‌های القا شده تغییر می‌کند.

معلم می‌تواند در جهت افزایش شناخت دانش‌آموزان نسبت به آموزه‌های دین نقش‌های الگویی و آموزشی داشته باشند. این آموزش در صورتی کارساز خواهد بود که در همه‌ی زمینه‌های شناختی، احساسی و عملی انجام گیرد. ویژگی‌های معلم مانند تربیت دینی، اخلاق نیک، مطابقت گفتار و کردار، محبوبیت و مقبولیت او در نفوذ او در دانش‌آموزان تأثیر مثبت دارد. علاوه بر الگو بودن و آموزش دادن در صورتی که معلم اصول تربیت را به کار گیرد، می‌توان گفت وظیفه‌ی خود را به عنوان یک مربی

انجام داده است. محبت به دانش آموز دین را برای او زیبا می کند و علاقه و انگیزه اش را بیشتر. زمینه سازی و شروع تدریجی، راه را برای دانش آموز هموارتر می کند. رعایت اعتدال در تمامی مراحل تربیت پیشرفت متربی را مداوم و آسان خواهد کرد. حفظ حریت و آزادگی دانش آموز، موجب می شود تا معلم شناخت بیشتر از او به دست آورد و دانش آموز نیز حس اجبار و اکراه در انجام امور نداشته باشد و در سایه ی عقل خویش استعدادهایش را شکوفا کند. گرمی داشت شخصیت دانش آموز، عزت نفس را به دنبال خواهد داشت و عزت نفس او را از لغزش ها و وسوسه های افراد نااهل باز می دارد. نظارت و مراقبت مستمر از دانش آموز باید در تمام مراحل وجود داشته باشد تا تلاش های معلم و دانش آموز به نتیجه برسد.

همکاری و هماهنگی تمام معلمان و به کارگیری اصول تربیت ضروری است. هماهنگی و هم عقیده بودن همه ی معلمان ضمن تأیید حق بودن دین اسلام موجب یاد آوری و تکرار آموزه ها نیز می شود. در صورتی که معلمان در جهت تربیت دینی دانش آموزان با یکدیگر همانک نباشند یا اصول تربیت را به درستی بکار نگیرند، موجب تنفر دانش آموز از دین می شود.

کتاب درسی نیز مانند یک معلم هستند. ارائه ی الگوها، استفاده از مطالب متنوع و نظرات شخصیت ها و مباحثی که دانش آموزان بیشتر به آن علاقه دارند، به شرطی که در جهت تربیت دینی باشد، غنی و مفید خواهد بود. در کتاب درسی تربیت اعتقادی، اخلاقی و عبادی باید با توجه به ابعاد وجودی انسان صورت بگیرد تا منجر به تربیت دینی شود. تعارض در ارزش های کتاب درسی، عدم توجه همه ی کتاب به آموزه های دینی، متناسب نبودن متون با علایق دانش آموزان، به کار نگرفتن ابعاد و اصول تربیت و عدم توجه به ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری دانش آموزان، موجب آسیب به تربیت دینی دانش آموزان خواهد شد.

گروه همسالان و دوستان از طریق ارائه ی الگو، تشویق و تنبیه، ارزیابی رفتارهای اعضاء و مبادله ی اطلاعات بر ارزش های یکدیگر اثر می گذارند. دانش آموزانی که ارزش های دینی در آنها نهادینه شده است، به تربیت دینی سایر دانش آموزان کمک کرده و دانش آموزانی که ارزش های شان ضد دینی است موجب آسیب به تربیت دینی سایر دانش آموزان می شوند.

تعارض در آموزه های معلم، کتاب درسی و دوستان موجب آسیب به تربیت دینی دانش آموزان می شود. همچنین تعارض در شیوه ی تربیتی مدرسه و خانواده و سایر نهادهای اجتماعی، موجب سردرگمی دانش آموز و در نهایت آسیب به تربیت دینی او می شود.

پیشنهادهای کاربردی

پیشنهاد به آموزش و پرورش

۱. استفاده از دبیران مؤمن و آگاه به مبانی دینی ۲. برگزاری دوره های آموزش ضمن خدمت جهت افزایش معلومات معلمان در زمینه تربیت دینی ۳. برگزاری دوره های ضمن خدمت جهت آشنایی با اصول تربیت دینی دانش آموزان.

پیشنهاد به مدیران مدرسه

۱. برگزاری جلسات انجمن اولیاء و مربیان و دعوت از مشاوران مجرب برای آموزش چگونگی تربیت دینی به خانواده ها. ۱. نظارت بر اخلاق، رفتار و شیوه ی آموزش معلمان و برگزاری جلسات با آنان جهت یادآوری، تذکر و بررسی عملکرد آنان.

پیشنهاد به معلمان

۱. افزایش مطالعات و توانایی‌های خود برای تربیت بهتر دانش آموزان. ۲. توجه به ابعاد وجودی انسان و بکارگیری این ابعاد در تربیت اعتقادی، اخلاقی و عبادی دانش آموزان. ۳. ارتباط مباحث درسی با معارف دینی و جبران ناگفته‌های کتاب. ۴. تغییر شیوه‌ی ارزشیابی دروس دینی از حالت حفظی به عملی و تحلیل مفاهیم. ۵. استفاده از داستان و ارائه‌ی الگو در جهت درک بهتر معارف دین. ۶. گروه بندی دانش آموزان برای افزایش اختیارات و عزت نفس آنها.

توصیه به خانواده‌ها

۱. نظارت بر رفت و آمد فرزندان و دوستان آنها و جلوگیری از رفت آمد با افراد ناشایست. ۲. همراهی با فرزندان برای شرکت در مراسم مذهبی، روزه ها و جلسات دینی. ۳. افزایش مطالعات در زمینه‌ی دین و تربیت دینی و زمینه سازی در فرزندان جهت آمادگی برای پذیرش دین.

پیشنهاد به برنامه ریزان کتب درسی

۱. استفاده از نظرات دانش آموزان در تدوین کتب درسی. ۲. توجه به ابعاد وجودی انسان و ارائه‌ی تربیت اعتقادی، اخلاقی و عبادی متناسب با این ابعاد در کتب دینی و غیر آن. ۳. استفاده از لحن روان، تمثیل، الگو و داستان‌های واقعی. ۴. ارائه‌ی تمرین‌هایی که به افزایش قدرت تعقل و تفکر دانش آموز می‌انجامد. ۵. ارتباط منطقی مطالب کتب دینی و سایر کتب با معارف دینی.

منابع:

۱. قرآن کریم
۲. احمدی، احمد (۱۳۸۴). اصول و روش های تربیت در اسلام. انتشارات دانشگاه اصفهان. چاپ هشتم.
۳. ادیب علی، محمدحسین (۱۳۷۹)، راه و روش تربیت از دیدگاه امام علی علیه‌السلام، چاپ اول، انتشارات مؤسسه انجام کتاب، تهران.
۴. اکبرزاده، مرتضی (۱۳۹۵). تعریف و اهداف تربیت اسلامی، تهران. انتشارات مؤسسه کتاب.
۵. باقری، خسرو (۱۳۸۶). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. جلد دوم. انتشارات مدرسه. تهران
۶. تعلیم و تربیت دینی (مجموعه مقالات)، ترجمه مشایخی راد، شهاب‌الدین، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰
۷. تلخابی، محمود (۱۳۹۵). رویکرد شناختی به تربیت دینی، دوفصلنامه فلسفه تربیت، سال دوم، صص ۹۰-۷۱.
۸. توماس، آر. ام (۱۳۷۹). تربیت دینی. ترجمه سید محمد صادق موسوی نسب قمی. معرفت. ش ۳۳. صص ۲۲-۳۱.
۹. حاجی ده آبادی، محمد علی (۱۳۸۵)، آسیب‌شناسی تربیت دینی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۰. حسین زاده، علی (۱۳۸۰). سیره تربیتی پیامبر و ائمه اطهار (ع). قم. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۱. حسینی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۹)؛ تعلیم و تربیت اسلامی؛ تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۱۲. حسینی دهشیری، افضل السادات (۱۳۷۰)، نگرشی به تربیت اخلاقی از دیدگاه اسلام، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۳. خاکپور، مسعود (۱۳۸۱)، «مبانی نظری آسیب‌شناسی تربیت دینی در نوجوانان و جوانان»، مجموعه مقالات آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش؛ تهران: موسسه فرهنگی محراب قلم.
۱۴. داوودی، محمد (۱۳۸۴)، سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، جلد دوم تربیت دینی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. قم.
۱۵. رحیمی، علی‌رضا (۱۳۸۳)، تعلیم و تربیت دینی، معرفی رویکرد بصیرت‌گرا؛ نشریه رشد آموزش ابتدایی؛ شماره ۴.
۱۶. رفیعی، بهروز (۱۳۸۱)، آرای دانشمندان مسلمان در مبانی تعلیم و تربیت، جلد چهارم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم.
۱۷. زارعان، محمدجواد (۱۳۷۹)، «تربیت دینی، تربیت لیبرال»؛ نشریه معرفت، شماره ۳۳.
۱۸. سند فلسفه تربیت جمهوری اسلامی ایران (چارچوب نظری سامان دهی و هدایت انواع تربیت) (۱۳۸۸). گزارش تلفیق نتایج مطالعات نظری. تهران. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۱۹. شریعتمداری، علی (۱۳۸۶)، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، چاپ سی و دوم، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۲۰. شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۶۴)، فرهنگ علوم رفتاری، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۲۱. شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۷۶)، فلسفه آموزش و پرورش، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ چهارم.
۲۲. شکوهی، غلام حسین (۱۳۷۵)، مبانی و اصول آموزش و پرورش، انتشارات آستان قدس رضوی، ص ۱۶۱.
۲۳. عمید، حسن (۱۳۶۲)، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ دوم.
۲۴. کشاورز، سوسن (۱۳۸۷)، شاخص‌ها و آسیب‌های تربیت دینی، دوفصلنامه تربیت دینی، سال سوم، صص ۹۳-۱۲۲.
۲۵. مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰)، تهران، دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.
۲۶. مزینانی، محمدصادق (۱۳۸۲)، روش‌های تربیتی سیاسی کارگزاران از منظر امام علی علیه‌السلام، حکومت اسلامی، سال ششم، شماره ۲۲، صص ۳۹-۲۷.
۲۷. مطهری، مرتضی (۱۳۶۶)، جاذبه و دافعه‌ی امام علی علیه‌السلام، انتشارات صدرا، تهران.
۲۸. مطهری، مرتضی (۱۳۷۱)، تعلیم و تربیت در اسلام، انتشارات صدرا، تهران.
۲۹. مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)، مجموعه آثار، ج ۳، تهران: انتشارات صدرا.
۳۰. موسوی، سید علی (۱۳۹۱). تحلیل مفهوم تلقین در تربیت دینی، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۴۷، صص ۶۶-۴۴.
۳۱. میلاره، گاستون؛ ژان، یال (۱۳۷۰)، تاریخ جهانی آموزش و پرورش، ترجمه‌ی محمدرضا شجاع رضوی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، جلد ۱ و ۲.
۳۲. هاشمی اردکانی، سید حسن (۱۳۸۸)، عوامل تربیتی در مسیر کمال وجودی انسان از منظر نهج‌البلاغه، تربیت اسلامی، سال چهارم، شماره ۸، صص ۱۷۹-۱۶۱.